

نیازسنجی آموزشی شالوده آموزشهای ترویج

● محمدرضا عباسی

چکیده:

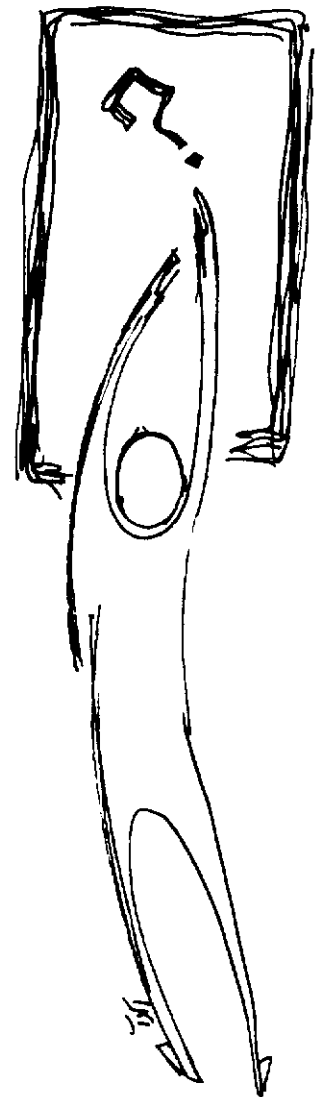
در فرایند آموزشهای ترویجی، اصولاً ترویج روستایی نیازهای خاص مردم روستایی را مشخص می‌کند، سپس با استفاده از منابع تحقیقاتی و از طریق آموزش به رفع آنها اقدام می‌ورزد.

نیاز یکی از ارکان مهم تلاش و انگیزه فعالیتهای انسانی است. نیاز یک حالت کمبود یا نقصان در موجود زنده است؛ هر انسان نیز زمانی احساس نیاز می‌کند که به کمبود یا نقصانی به طور آگاهانه یا از طریق خود یا دیگران واقف شود. به طور کلی نیاز، فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب (مورد انتظار) است. این نیاز، گاه پنهان و گاه آشکار است.

امروزه، برای برنامه‌ریزیهای آموزشی و ترویجی، شناسایی نیاز روستاییان به عنوان یک فعالیت اساسی هر برنامه مطرح است. فرایند شناخت نیازهای آموزشی را نیازسنجی آموزشی گویند. برخی از روشها و الگوهای نیازسنجی که در ترویج کاربرد بیشتری دارند، عبارتند از: مصاحبه، پرسشنامه، آزمون نظرخواهی از مسوولان، مسئول مدخل استقرار، مدل فیزیکی و مدل کیفی و ... ترویج روستایی کشور برای غنی‌سازی و بهینه ساختن فعالیتهای خود، باید نیازهای آموزشی روستاییان را شناسایی کند و برنامه‌های خود را بر آن اساس طراحی و تنظیم نماید.

● آموزش، یک فرایند مشارکتی است؛ تشخیص و تعیین واقعی نیازهای آموزشی روستاییان، باید با دخالت و مشارکت تمامی مسئولین، مأمورین و دست‌اندرکاران مسائل روستایی که مقیم و ساکن روستای مورد نظر هستند، انجام پذیرد. به بیان دیگر، علاوه بر هدفها و سیاستهای نظام ترویج برای توسعه روستا، برای این نیازسنجی، باید از مروج، معلم، رهبر محلی، اعضای شورای اسلامی، مأمورین بهداشت و ... کمک گرفت.

● اصولاً، نیازسنجی آموزشی، فرایندی است که طی آن نیازهای یک فرد یا گروهی از مردم شناسایی می‌گردند و از طریق طراحی و برگزاری برنامه‌های آموزشی برآورده می‌شوند. بنابراین، هدف اساسی برنامه‌های آموزشی، ارتقا بخشیدن عملکرد فرد یا افراد، از طریق ایجاد انگیزه، تشویق و تغییر در آنان است تا قادر شوند به وضعیت مورد انتظار و مطلوب برسند.



■ مقدمه

در دنیای حاضر با توجه به رشد سریع و شتابان دانش بشری، بیشتر مشاغل و حرف روز به روز پیچیده تر و فنی تر می شوند. از همین رو، همواره شاغلین مشاغل و حرف گوناگون برای موفقیت شغلی خویش با نیازهای متعددی مواجه می شوند. یکی از آنها، نیاز به افزایش دانش فنی، مهارت و درک عمومی از شغل خود است. در این راستا، مشاغل و حرف مختلف کشاورزی و دامپروری از این امر جدا نیستند و دقیقاً از رخدادهای مزبور بیرونی می کنند. بدین جهت؛ برای این گروه از مشاغل نیز، هر روزه نیازهای آموزشی جدیدی پدیدار می شود.^(۱)

ترویج، به مثابه یک مکتب آموزشی، مورد قبول اکثر دست اندرکاران امور آموزشی و ترویجی واقع شده است و دلیل وجودی هر مکتب آموزشی نیز، صرفاً ارضاء نمودن و رفع حوایج آموزشی مخاطبین آن مکتب است. بر این اساس؛ به نظر می رسد، بتوان ضرورت وجود نظام ترویج روستایی را در جوامع مختلف به این موضوع (برآورد نیازها) نسبت داد و حتی به اثبات رساند. زیرا، ارضای نیازهای آموزشی مردم روستایی از هدفهای اساسی نظام ترویج روستایی است. این نظام، همواره بر آن است که نیازهای آموزشی روستاییان را با برگزاری و اجرای آموزشهای ترویجی مرتفع سازد و این فرآیند را تا رسیدن آنان به سرحد توسعه فردی و اجتماعی هدایت و حمایت کند.

در فرآیند آموزشهای ترویجی، اصولاً ترویج روستایی نیازهای خاص مردم روستایی را مشخص و معین می کند، سپس، با استفاده از منابع تحقیقاتی و از طریق آموزش به رفع آنها اقدام می ورزد. آن گاه نتایج، مشکلات و نیازهای جدید را برای یافتن رهیافتهای جدید به منابع تحقیقاتی ارجاع میدهد، تا پس از کسب راه حل مناسب، آموزشهای ترمیمی و تکمیلی را طراحی کند و به اجرا گذارد.^(۲)

■ نیاز چیست؟

دو مقوله "نیاز"^(۳) و "سائق"^(۴) به عنوان ارکان تلاش و انگیزه فعالیتهای انسانها شناخته شده اند. نیاز به یک حالت کمبود یا نقصان در موجود زنده اشاره می کند.

سائق (سوق دهنده) نیز به انرژی یا تمایل حاصل از نیاز گفته می شود. به طور مثال: ما نیاز به غذا داریم و این نیاز، سائق گرسنگی را در ما ایجاد می کند. بر این اساس، وقتی که هر موجود زنده احساس نیاز می کند، این احساس، یک احساس ناخوشایند است و وقتی نیاز او رفع می شود، این حالت برای او یک حالت خوش آیند را به وجود می آورد. بنابراین، عامل انگیزش جانداران، نیازهای آنها است.^(۵)

نکته قابل تأمل آن است که: هر نقصان یا کمبودی، صرفاً نشانگر نیاز نیست. مثلاً گرچه ممکن است، چند دستگاه سیمی - بصری، مانند: اپک، اورهد، پروژکتور اسلاید، تلویزیون و ویدئو در اختیار مروجین روستا نباشد تا بتوانند در آموزشهای خود از آنها استفاده کنند، ولی در عین حال نیز، ممکن است، ایشان به برخی از آنها واقعاً نیازی نداشته باشند. این موضوع را می توان، چنین بیان کرد: نیاز در برخی موارد، یک امر قراردادی است و برای تعیین نیاز واقعی، باید نوعی "هنجار" وجود داشته باشد تا وضعیت مورد انتظار با آن هنجار مقایسه گردد و نیازها هویدا شوند.^(۶) در مثال فوق، اگر حالت قراردادی یا "هنجار" آن باشد که هر مروج روستا باید، حداقل یک دستگاه اپک یا اورهد در اختیار داشته باشد، در صورتی که این وسایل را در اختیار نداشته باشد، وی از این نظر دارای نیاز است.

هنگامی که یک فرد "نیازمند" یا دارای "نیاز" شناخته می شود، احتمال دارد که خود شخص از وجود آن نیاز بی خبر باشد. مثلاً ممکن است، یک فرد روستایی، از این که برای تولید بیشتر و بهتر، به یادگیری یک مهارت نیاز دارد، آگاه نباشد. در چنین وضعیتی، وی احساس بی نیازی می کند. حال آن که، ترویج روستایی و مروج روستا، از طریق مقایسه کردن اجرای مهارت آن فرد و اجرای استاندارد مورد انتظار، یک نیاز آموزشی را برای او تشخیص می دهد و درصد برمی آید به فرد مزبور، آموزشهای مورد نیاز را

ارائه دهد.

به طور کلی، نیاز فاصله بین "وضعیت موجود" و "وضعیت مطلوب" یا مورد انتظار است. در فرآیند برنامه ریزی برای شناسایی نیاز و رفع آن، مراحل ذیل طی می شود:^(۷)

- ۱ - تجزیه و تحلیل وضعیت موجود
- ۲ - ترسیم و تنظیم وضعیت مطلوب (با توجه به تواناییها و امکانات بالفعل و بالقوه).
- ۳ - شناسایی و تعیین نیازهای واقعی برای گریز از وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب.
- ۴ - برنامه ریزی برای مرتفع ساختن نیازهای تشخیص داده شده.

■ انواع نیازها^(۸)

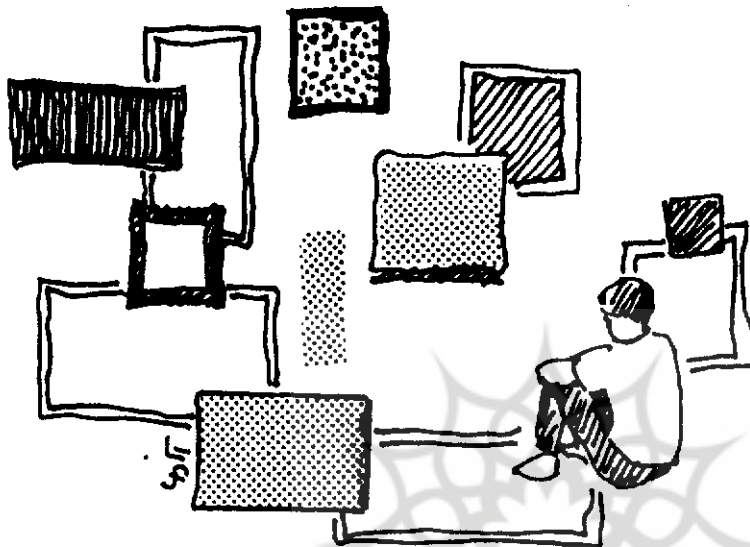
نیازهای انسان متعدد و گوناگون هستند. اندیشمندان نیز، این نیازها را به گونه های مختلف دسته بندی کرده اند. در زیر، به طور مختصر، برخی از انواع نیازها ذکر می شود.

الف - انواع نیازها با توجه به شیوه تشخیص:

- ۱ - نیازهای بنهانی - آن دسته از نیازها هستند که بسیار پیچیده اند و مستلزم بررسی دقیق تری می باشند.
- ۲ - نیازهای آشکار - این گروه از نیازها روشن، ملموس و عینی هستند. فرد به سهولت می تواند آن را شناسایی کند.

ب - انواع نیازها با توجه به ماهیت آنها:

- ۱ - نیازهای هنجاری - اگر دانش و مهارت یک فرد را تجزیه و تحلیل نماییم و نتایج آن را عملکرد فکری او پایین تر از حد مطلوب است، فرد مزبور دارای نیاز هنجاری می باشد. برای مرتفع ساختن آن نیاز، باید دانش، مهارت و نگرش وی از طریق آموزش، مطلوب شود.
- ۲ - نیازهای محسوس - چنانچه یک فرد، در یک موضوع خاص، احساس کند که نیاز به تغییر و در نتیجه آموزش دارد و قادر باشد، این نیاز ویژه خود را کاملاً روشن بیان کند، فرد مزبور، دارای نیاز احساس شده است. (در ترویج علاوه بر نیازهای محسوس، نیازهای نامحسوس نیز وجود دارد. در این حالت در



می‌شوند، با واقعیت سازگارند و برای رفع مشکلات فرد و جامعه روستایی و نظام ترویج مؤثر واقع شوند.

هر چند، تشخیص دقیق نیازهای آموزشی امری مشکل است؛ ولی اصل مسلم آن است که نیاز وجود دارد. این نیازها کدام هستند و چه گسی باید آنها را تعریف کند؟ ... این سئوالها از جمله سئوالهایی هستند که هر برنامه‌ریز آموزشی، در فرایند آموزشهای رسمی و غیر رسمی مطرح می‌کند و برای یافتن پاسخ آنها، تلاش خود را به کار می‌گیرد. (۱)

■ فرایند نیازسنجی

در برنامه‌ریزی آموزشهای ترویجی نیازهای محلی و ملی مورد نظر قرار می‌گیرند. به بیان روستی، نیازهای آموزشی روستاییان در حیطه‌های محلی و ملی، دو رکن اساسی برای برنامه‌ریزی آموزشهای ترویج محسوب می‌شوند. (۱) این امر در خور اهمیت است که: وظیفه اصلی ترویج روستایی، برآورده ساختن این گروه از نیازهای روستاییان برای توسعه فرد و جامعه روستایی است. اگر ترویج نتواند، چه نیازهای محلی و چه نیازهای ملی را به نحو صحیح، منطقی و واقعی شناسایی و تعیین کند. این نیازها ارضاء نشده باقی می‌مانند، در این صورت، به ضرر بفرین، منابع مادی و نیروی انسانی خود را تباد کرده

برخی زمینه‌ها روستاییان احساس بی‌نیازی می‌کنند. حال آن که نظام ترویج از طریق کارگزاران و به ویژه مروجین روستایی این نیازها را تشخیص می‌دهد و تعیین می‌کند و آموزشهای ترویجی را برای رفع و برآورده ساختن آنها به اجرا درمی‌آورد.

۳ - نیازهای مقایسه‌ای - در برخی موارد، احتمال آن است که فرد، دانش، مهارت و تواناییهای خویش را با افراد هم سطح خود مقایسه کند و کمبودهایی را احساس و مشاهده کند. در چنین وضعیتی، کمبود و نقصانهای احساس شده، به نیازهای مقایسه‌ای موسوم‌اند.

۴ - نیازهای مورد تقاضا - گاهی ممکن است، یک فرد به دنبال تشخیص نیازی ویژه در خود، به طور مستقیم برای تأمین آن، دست به اقدام بزند. در این حالت نیاز مزبور، یک نیاز مورد تقاضا قلمداد می‌شود. مانند فردی که احساس می‌کند، برای زندگی بهتر، نیاز به دانستن فن رانندگی دارد. در این صورت، وی مستقیماً برای تعلیم رانندگی اقدام می‌کند.

ج - انواع نیازها بر اساس اهمیت آنها

۱ - نیازهای فوری - این گروه از نیازها، باید سریعاً مرتفع شوند. بنابراین، از اهمیت اساسی و حیاتی برخوردارند.

۲ - نیازهای غیر فوری - نیازهایی هستند که اولویت چندانی ندارند و می‌توان آنها را به تدریج برطرف ساخت.

■ اهمیت نیازسنجی در ترویج

امروزه، برای برنامه‌ریزی هرگونه آموزشی، اعم از رسمی و غیر رسمی - از جمله آموزشهای ترویج - شناسایی نیازهای آموزشی (نیازسنجی) به عنوان شالوده و اساس کار قلمداد می‌شود. (۸) از این رو، نظام ترویج روستایی، می‌باید برای همگام ساختن و سازگار کردن مردم روستایی با سیاستها و برنامه‌های توسعه روستایی، نیازهای متعدد و به ویژه نیازهای آموزشی آنان را شناسایی کند و سپس، در رفع و ارضای آنها همت گمارد.

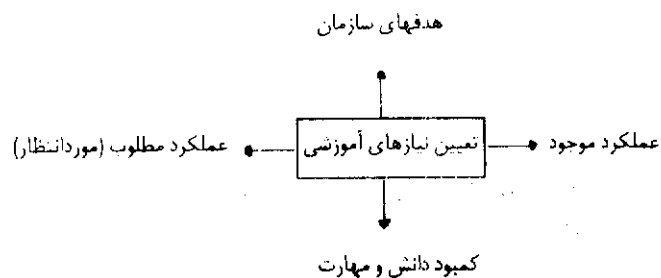
بدیهی است که چنانچه، "نیازسنجی آموزشی" به درستی انجام شود، نیازهای تشخیص داده شد، مبتنی بر واقعیت خواهد بود و از این رو، برنامه‌های آموزشی ترویج نیز، که بر مبنای همین نیازها تنظیم و اجرا

است. نظام ترویج روستایی، در فرایند نیازسنجی، جهت تشخیص و تعیین نیازهای ملی، باید، وضعیت مطلوب خود را طراحی کند. وضعیت مطلوب، برانگیخته از هدفها، سیاستها و برنامه‌های ترویج است که آن نیز، متأثر از برنامه‌ها و سیاستهای کلان کشور، برای توسعه روستا است. همچنین، این نظام، باید وضعیت موجود را دقیقاً بررسی و شناسایی کند. در فرایند برنامه‌ریزی، فاصله مابین وضعیت موجود تا وضعیت مطلوب، نشان‌دهنده نیازهای آموزشی خواهد بود.

بخش مهمی از برنامه‌های آموزشی ترویج نیز، بر اساس نیازهای محلی روستاییان طراحی و اجرا می‌شوند. پس، تعیین نیازهای آموزشی محلی، از وظایف ترویج و به ویژه مروجین روستا محسوب می‌شود. نیازهای محلی می‌توانند، فردی یا گروهی باشند.

برای شناسایی و تعیین نیازهای آموزشی فرد، باید، تعیین کرد که آیا عملکرد موجود فرد با عملکرد مورد انتظار، مطابقت دارد یا خیر؟ در صورتی که، عملکرد او پایین‌تر از حد مورد انتظار است، باید تشخیص داد که: چه کمبودهایی در زمینه‌های دانش و مهارت دارد.

به طور کلی، در نیازسنجی : عملکرد موجود، عملکرد مطلوب، هدفهای سازمان و کمبود دانش و مهارت، چهار عنصر اساسی خواهند بود. (دیباگرام شماره یک) (۱۱)



دیباگرام شماره یک : نیازسنجی فرد و رابطه آن با هدفهای سازمان

نیازهای آموزشی مطرح و تنظیم می‌کنند. آنها در ملاقاتهایی که تدارک می‌بینند؛ سوالها را با افراد مصاحبه شونده در میان می‌گذارند. سپس، پاسخهای ارائه شده را یادداشت می‌نمایند و به طبقه‌بندی و اولویت‌بندی آنها مبادرت می‌ورزند. در پایان لیست نیازهای آموزشی اسحراج می‌شود.

از طریق مصاحبه، می‌توان علیت و معلولها، نگرشها و مشکلات مصاحبه سوندگان را شناسایی کرد و تشخیص داد. ولی، نیاز داشتن به زمان طولانی برای انجام مصاحبه‌های متعدد از عیوب عمده آن است. البته، نمی‌توان با تمامی افراد مورد نظر مصاحبه کرد.

۲- پرسشنامه

گرچه، استفاده از پرسشنامه برای شناسایی نیازهای آموزشی روشن معقوبی به نظر می‌رسد، ولی باید توجه داشت، که برخی ویژگیهای روستاییان کشور (کم‌سوادی، بیسوادی، خود داری از پاسخ دادن به برخی پرسشها و ...) از اعتبار پرسشنامه می‌کاهد و بنابراین، در نیازسنجی پرسشنامه‌ای باید احتیاط کرد. به طور کلی، در پرسشنامه باید نکات ذیل را مورد توجه قرار داد :

الف - سوالها کوتاه باشد.

ب - هر سوال به روشنی بیان شده و هدف خاصی را مورد نظر قرار داده باشد.

ج - سوالها به نحوی تهیه و تنظیم شده باشند که پاسخگو بتواند به راحتی به آنها پاسخ دهد.

د - هر سوال، اطلاعاتی را در زمینه نیازهای آموزشی از پاسخگو به دست آورد.

۳- آزمون

از طریق آزمون، می‌توان به نحو مطلوبی از میزان دانش یا مهارت افراد مورد نظر آگاهی یافت. برگزاری صحیح و منطقی آزمون می‌تواند به خوبی نگرش و عملکرد افراد را مشخص سازد. به طور معمولی، به سه طریق می‌توان آزمون یا تست را انجام داد : کتبی، شفاهی و عملی. در شرایط فعلی روستاهای کشور، روشهای نیازسنجی شفاهی و عملی نسبت به آزمون کتبی میسرتر است.

این روش نیازسنجی، انعطاف‌پذیری بالایی دارد. اگر افراد مورد نظر باسواد باشند، می‌توان از آزمون

نیازهای آموزشی (نیازسنجی)، عارت است از : آموزش دانش و مهارتهایی که فرد یا افراد مورد نظر، باید بیاموزند یا آن که، نگرش آنان اصلاح و تغییر داده شود تا به توسعه، رشد و تعالی برسند. از این رو، نیازسنجی آموزشی

به پژوهش و بررسیهای عمیق وابسته است. کسی که به این امر همت می‌گمارد، باید تنها از طریق مطالعه و بررسی دقیق، مشخص سازد که فرد یا افراد چه نیازی دارند؟ چرا به آن نیاز دچار هستند و برای رفع آن چه آموزشهایی لازم است؟ ... اگر این فرایند، تنها از طریق حدس و حلالردازی حدبرای، مسئولان و کارشناسان صورت گیرد، نیازسنجی آموزشی به حالتی ناقص انجام می‌شود. در حالی که، روش صحیح آن است که : علاوه بر نظر سنجی مدیران و مسئولان، هدفهای سازمان، نیازهای توسعه‌ای فردی و اجتماعی، نیازهای تکاملی و ... دقیقاً مورد نظر قرار گیرند.

الگوها و روشهای نیازسنجی آموزشی بسیار متعدد هستند. هر یک از آنها برای وضعیت و موقعیتهای ویژه‌ای کاربرد دارند. در زیر، برخی از روشها و الگوهای که در نیازسنجی آموزشی غیر رسمی و برنامه‌ریزی آموزشی بروج، کاربری بهتر و بیستری دارند، به اختصار شرح داده می‌شود.

۱- مصاحبه

مسئولین ترویج و توسعه روستا، در مواقعی احساس می‌کنند که فرد یا گروهی از روستاییان در برخی زمینه‌ها، نیازهای آموزشی ویردای دارند. در این گونه مواقع، تصمیم می‌گیرند که با فرد یا گروه مورد نظر، ملاقاتهای حضوری داشته باشند. برای این کار از قبل سوالاتی هدفدار برای شناسایی و تعیین

از سویی دیگر، آموزش، یک فرایند مشارکتی است تشخیص و تعیین واقعی نیازهای آموزشی روستاییان، باید با دخالت و مشارکت تمامی مسئولین، مأمورین و دست‌اندرکاران مسائل روستایی که مقیم و ساکن روستای مورد نظر هستند، انجام پذیرد. به بیان دیگر، علاوه بر هدفها و سیاستهای نظام ترویج برای توسعه روستا، برای این نیازسنجی، باید از مروج، معلم، رهبر محلی، اعضای شورای اسلامی، مأمورین بهداشت و ... کمک گرفت.

در یک نگاه کلی، درک صحیح، منطقی و اصولی از نیازسنجی آموزشی و هماهنگ بودن آن با سیاستهای محلی و ملی، موجب می‌شود که نیازهای آموزشی واقعی مشخص و معین شوند و برای رفع آنها در برد روستاییان، باید برنامه‌ریزی فعالیتهای آموزشی - ترویجی، برنامه‌ریزیهای لازم را به عمل آورند.

■ برخی روشها و الگوهای نیازسنجی آموزشی

اصولاً، نیازسنجی آموزشی، فرایندی است که طی آن نیازهای یک فرد یا گروهی از مردم شناسایی می‌گردند و از طریق طراحی و برگزاری برنامه‌های آموزشی برآورده می‌شوند. بنابراین، هدف اساسی برنامه‌های آموزشی، ارتقا بخشیدن عملکرد فرد یا افراد، از طریق ایجاد انگیزه، تشویق و تغییر در آنان است تا قادر شوند به وضعیت مورد انتظار و مطلوب برسند. واقعیت آن است که : در آموزش، هدف از تعیین

کتبی، ولی اگر بی‌سواد باشند، از آزمون شفاهی یا عملی سودجست. از سوی دیگر، اگر هدف تشخیص نیازهای آموزشی در حیطه‌های شناختی و عاطفی باشد (سنجش اطلاعات و نگرشها)، از آزمون کتبی یا شفاهی استفاده می‌شود و چنانچه هدف، تشخیص نیازها در حیطه روانی - حرکتی (مهارتها) باشد، می‌توان از آزمون عملی بهره‌گیری کرد. مشکل اساسی پس از آزمون آن است که: طراحی آزمون نسبتاً سنگین است و در حالت ایدئال، آزمونهای استاندارد و ساخته شده در دسترس نمی‌باشد.

۴- نظرخواهی از مدیران و مسؤولان

در برخی موارد، نیازهای آموزشی افراد را، می‌توان بر اساس اظهار نظر (نظرسنجی) مدیران، مسؤولان و کارشناسان زبده در سطوح مختلف سازمان شناسایی نمود. این روش با استفاده از فرمها یا پرسشنامه‌های تنظیمی، به مصاحبه از مدیران ستادی، مدیران مناطق و محلی و نیز کارشناسان و مروجین زبده‌ای که در قلمرو صف سازمان به کار مشغولند و بر اساس شواهد تجربی و شناخت انسانی و مناسبی که از افراد مورد نظر دارند، صورت می‌گیرد. نکته حایز اهمیت این روش، صرفه‌جویی در زمان است.

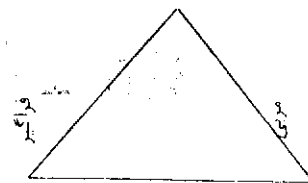
در روش نظرخواهی، دانش و مهارتهای مورد نیاز برای رسیدن به حد مورد انتظار، شناسایی و تعیین می‌شوند و سپس اطلاعات کسب شده، بر ارزش و کمبودهای آموزشی استخراج می‌شوند. از معایب عمده این روش، آن است که نیازهای تشخیص داده شده، کاملاً دقیق نیستند، زیرا، غالباً پاسخها بر اساس عقاید شخصی بیان می‌شوند و کاملاً بر مشاهدات عینی و ملموس استوار نخواهند بود.

۵- مدل کوفمان، کوریکان و جانسون

این سه نفر، یک مدل سه بعدی برای شناسایی نیازهای آموزشی ارائه داده‌اند. مدل مزبور، دارای سه بعد است که عبارتند از: بعد مریبی، بعد فراگیر و بعد جامعه. (دیاگرام شماره ۲)

در مدل کوفمان، می‌توان برای نیازسنجی، نقطه ورودی را بر مبنای هر بعدی از مثلث قرار داد و اختلافها را برای هر متغیر گردآوری و ثبت کرد.

محتوای آموزشی



جامعه مورد نظر

دیاگرام شماره ۲: رابطه متغیرهای اصلی برای برآورد نیازهای آموزشی (مدل کوفمان)

نقطه ورودی، در دیاگرام شماره ۲، به طور قراردادی مشخص شده است. مطابق آن بعد، نیازسنجی از جامعه به طرف مریبی و فراگیر تغییر می‌یابد در این ساختار، محتوای آموزشی، تنها پس از آن که ابعاد جامعه و فراگیر و مریبی تعیین شدند، معلوم خواهد شد.

بر اساس دیاگرام شماره ۲، برای نیازسنجی آموزشی، باید وضعیت حال و آینده و جامعه مورد نظر، ترسیم و بررسی نمود. سپس، در آن شرایطی بستر بینی نمود که: فراگیران مهارت و دانش و نگرشهای خویش را گسترش و توسعه دهند.

به طور کلی، در مدل کوفمان، وضعیت موجود افراد مورد نظر شناسایی می‌شوند و وضعیت مطلوب آنان نیز ترسیم می‌گردد. ادراکات هر یک از آنها در ارتباط با ارزشهای دیگر افراد که شامل ارزشهای حال و مطلوب است، معین می‌شود و در پایان، مطابقت یا عدم مطابقت بین ادراکات حال و مطلوب، منجر به تعیین نیازها می‌شود.

۶- الگوی استقرایی

در الگوی استقرایی، عملکرد و رفتار فعلی از طریق بررسی از فرد یا افراد مورد نظر و نیز از طریق مشاهده رفتار و فعالیتهای آنان شناسایی می‌گردند. از سویی دیگر، عملکرد و رفتار مورد انتظار از طریق بررسی از مدیران و کارشناسان زبده ترسیم می‌شود. آنگاه با استفاده از تجزیه و تحلیل و تفاوت‌های آن دو عملکرد، کمبودهای آموزشی مشخص می‌شود.^(۱۳)

۷- الگوی قیاسی

در این الگو، برای نیاز سنجی آموزشی، نخست هدفها یا انتظارات آرمانی از طریق نظرسنجی از افراد صاحب‌نظر و متخصص جمع‌آوری می‌شود. پس از آن، وضعیت موجود نیز، شناسایی می‌شود. مقایسه بین دو وضعیت مزبور (آرمانی و فعلی)، نیازهای آموزشی را مشخص می‌سازد.^(۱۴)

۸- الگوی کلاسیک

در الگوی کلاسیک، هدفها یا مقاصد مورد نظر به شیوه‌ای کلی تدوین و تنظیم می‌گردند. سپس برای تحقق آنها، برنامه‌ها و پروژه‌هایی طراحی و اجرا

• در آموزش، هدف از تعیین نیازهای آموزشی (نیازسنجی)، عبارت است از:

آموزش دانش و مهارتهایی که فرد یا افراد مورد نظر، باید بیاموزند یا آن که، نگرش آنان اصلاح و تغییر داده شود تا به توسعه، رشد و تعالی برسند. از این رو، نیازسنجی آموزشی به پژوهش و بررسیهای عمیق وابسته است.

• کثرت و فراوانی نیازهای آموزشی، در مرحله شناسایی و تدوین، عموماً کارشناسان و برنامه‌ریزان را به وحشت می‌اندازد و گاهی نمی‌دانند فعالیت‌های آموزشی را از کجا باید شروع کنند. در این گونه مواقع، باید صافی یا فیلترهایی را در مسیر اولویت بندی نیازها قرار دهند.

• در ابعاد کوناگون زندگی، هر روزه تغییراتی به سرعت اتفاق می‌افتد. این تغییرات در علوم و فنون کشاورزی و دامپروری سریعتر رخ می‌دهند. هر تغییری نیازهای جدیدی خلق می‌کند. بنابراین باید نظام ترویج، دانش و مهارت کارگزاران و مروجین خود را «به روز» درآورد و این بینش را در آنها تقویت کند که تغییرات ناشی از پیشرفت علوم و فنون را مدنظر و مورد جستجوی دقیق قرار دهند.

می‌شوند. داده‌های تجربی، در کلیه مراحل این الگوی نیازسنجی، دخالت خاصی ندارند. (۱۵)

■ تعیین اولویت‌های نیازهای آموزشی

در پایان مرحله شناسایی نیازهای آموزشی، تمامی آنها دسته‌بندی و مرتب می‌شوند. سپس، نیازهای مورد نظر انتخاب می‌گردند. پس از آن، برنامه‌ریزان، نیازهای انتخاب شده را تدوین و آنها را اولویت بندی می‌کنند. در تعیین اولویت‌ها: منابع، سرمایه، نیروی انسانی، هدفها و سیاستها، مورد نظر جدی قرار می‌گیرند. پس از اولویت بندی، برای رفع هر نیاز یا دسته‌ای از نیازها، طرحها و پروژه‌هایی طراحی و برای اجرا تنظیم می‌شود.

کثرت و فراوانی نیازهای آموزشی، در مرحله شناسایی و تدوین، عموماً کارشناسان و برنامه‌ریزان را به وحشت می‌اندازد و گاهی نمی‌دانند، فعالیت‌های آموزشی را از کجا باید شروع کنند. در این گونه مواقع، باید صافی یا فیلترهایی را در مسیر اولویت‌بندی نیازها قرار دهند. برخی از این صافیها، عبارتند از: هدفها و سیاستهای توسعه ملی، توسعه محلی، هدفهای سازمانی، امکانات، منابع و... این صافیها، محدودیتهایی را برای رفع نیازهای آموزشی به وجود می‌آورند.

بر اساس این فعالیت، می‌توان آموزشهای لازم را برای رفع نیازها، در چند گروه برنامه‌ریزی کرد. مثلاً، می‌توان نیازهای آموزشی را به دو گروه: کوتاه مدت و بلند مدت (فوری و غیر فوری) تقسیم نمود و اقدامات لازم را جهت برنامه‌ریزی دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی به عمل آورد.

■ خلاصه و پیشنهاد

ترویج یک مکتب آموزشی است. هر مکتب آموزشی نیز، صرفاً تأمین و رفع نیازهای آموزشی مخاطبین خود را مد نظر قرار می‌دهد و در واقع، این امر، فلسفه و هدف نظامهای آموزشی محسوب می‌شود. ترویج روستایی نیز، همواره بر آن است که نیازهای آموزشی روستاییان را با برگزاری و اجرای آموزشهای ترویجی مرتفع سازد، و آنها را تا به سرمنزل توسعه فردی و اجتماعی، هدایت و حمایت کند. از این رو، در فرایند آموزشهای ترویجی، اصولاً

ترویج روستایی، نیازهای خاص مردم را تشخیص می‌دهد و مرتفع می‌سازد.

نیاز، یک حالت کمبود یا نقصان در موجود زنده است. یک موجود زنده، زمانی احساس نیاز میکند که به کمبود یا نقصانی به طور آگاهانه یا از طریق دیگران واقف شود. به طور کلی، نیاز: فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب (مورد انتظار) است. این نیاز، گاه پنهان و گاه آشکار است. برخی مواقع، توسط فرد احساس می‌شود و گاهی این احساس نیاز توسط دیگران در وی ایجاد می‌شود.

امروزه، برای برنامه‌ریزیهای آموزشی و ترویجی، شناسایی نیاز روستاییان به عنوان یک فعالیت اساسی هر برنامه مطرح است. فرایند شناخت نیازهای آموزشی را نیازسنجی می‌گویند. در ترویج، فرایند نیازسنجی، منحصر به دو گروه نیازهای محلی و ملی است. برخی از روشها و الگوهای نیازسنجی که در ترویج کاربرد بیشتری دارند، عبارتند از: مصاحبه، پرسشنامه، آزمون (تست)، نظرخواهی از مدیران و مسؤولان، مدل کوفمان، مدل استقرایی و قیاسی و... ترویج روستایی کشور، برای غنی سازی و بهینه ساختن فعالیتها، منابع و امکانات خویش، ناچار است. بر اساس سیاستها و هدفهای خود که متأثر از برنامه‌های کلان توسعه روستایی کشور است، نیازهای آموزشی روستاییان را بسیار دقیق و واقع‌بینانه شناسایی کند و برنامه‌ریزان برای رفع آن نیازها، بر اساس واقعیات و به دور از خیالپردازی، طرحهای آموزشی لازم را طراحی و اجرا نمایند. در این راستا، پیشنهاد می‌شود:

□ نظام ترویج روستایی، تمامی مدیران و برنامه‌ریزان ستادی و نیز، مروجین روستایی را از طریق آموزشهای رسمی و ضمن خدمت با اصول برنامه‌ریزی آموزشی - و به ویژه نیازسنجی - آشنا سازد.
□ در ابعاد گوناگون زندگی، هر روزه، تغییراتی به سرعت اتفاق می‌افتد. این تغییرات در علوم و فنون کشاورزی و دامپروری سریعتر رخ می‌دهند. هر تغییری نیازهای جدیدی خلق می‌کند. بنابراین، باید نظام ترویج دانش و مهارت کارگزاران و مروجین خود را به روز درآورد و این بینش را در آنها تقویت کند که تغییرات ناشی از پیشرفت علوم و فنون را مد نظر و مورد جستجوی دقیق قرار دهند.

□ بر نظام ترویج، لازم است که نیازهای آموزشی روستاییان را برای تحقق برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور شناسایی کند. بر این اساس، با یک طرح ملی، می‌توان نیازهای آموزشی پنجساله روستاییان کشور را تشخیص داد و برنامه‌های آموزشی - ترویجی مناسب را طراحی و اجرا نمود.

□ پی نوشتها:

1 - Agricultural Education in Schools. (PP.463)

۲ - توسعه و ترویج روستایی. (ص ۴۸ - ۴۷)

3 - Need

4 - Drive

۵ - روانشناسی پرورشی (ص ۳۴۰)

۶ - دیروپ. آر. اف.

۷ - مقاله‌هایی درباره آموزش در سازمانهای اداری (ص ۸۵)

۸ - انواع نیاز از منبع قبلی اقتباس گردیده است.

۹ - آموزش و بهسازی منابع انسانی (ص ۲۵)

۱۰ - فرایند برنامه‌ریزی آموزشی. (ص ۶۰)

۱۱ - راهنمای آموزش ترویج (ص ۳۵ - ۲۹)

۱۲ - مقاله‌هایی درباره آموزش در سازمانهای اداری (ص ص ۴ - ۵)

۱۳ - ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ - طراحی و تحلیل نظامهای

آموزشی (ص ص ۶۶ - ۶۰)

□ منابع

۱ - ابطحی، حسین. آموزش و بهسازی منابع انسانی. مؤسسه مطالعات و برنامه‌ریزی آموزشی. تهران. ۱۳۶۸

۲ - دیروپ. آر. اف. نیازها در تعلیم و تربیت - ترجمه سعید بهشتی. روزنامه اطلاعات. شماره ۲۰۱۴۵

۳ - رخشان. فریدون. طراحی و تحلیل نظامهای آموزشی. انتشارات نیما. تبریز. ۱۳۶۴

۴ - شهبازی. دکتراسماعیل. توسعه و ترویج روستایی. انتشارات دانشگاه تهران. تهران. ۱۳۷۲

۵ - اوکلی. پیترو و گارفوت، کریستوفر. راهنمای آموزش ترویج. ترجمه محمدحسین عمادی. مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی (وزارت